۱۸۷ - ای ياران رحمانی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۱۸۷ - ای ياران رحمانی

ای ياران رحمانی، شمس حقيقت بر آفاق قلوب اشراق نورانيّت محبّت نمود و غمام موهبت باران الفت مبذول داشت نسيم عنايت از مهبّ ملاطفت بمرور آمد و دريای رحمانی امواج تعلّق روحانی زد تا ياران الهی بمثابه فيض آسمانی قطرات جمع شدهٔ سيل فيض نامتناهی گردند و صحرا و دشت آفاق را سبز و خرّم نمايند. مقصد از ظهور مظاهر مقدّسه الفت و محبّت عالم انسانی بود. حال احبّاء بايد در اين ميدان جانفشانی نمايند تا عالم انسانی را بصهبای محبّت يکديگر سرمست کنند و قلوب آفاق را شادمانی بخشند آنچه در الفت بيشتر کوشند بيشتر پويند و آنچه در اتّحاد همّت مبذول دارند عون و عنايت بيشتر مشاهده کنند. حضرت مسيح خطاب بحواريّين ميفرمايد، أَنتم مِلْحُ الأرضِ فاذا فَسَدَ الملحُ بِما ذا يَمْلَحُ؟ ميفرمايد شما نمک عالميانيد اگر شما فاسد گرديد جهان به چه مليح و نمکين گردد ؟ حال اگر احبّای الهی شمع محبّت و الفت و يگانگی و اتّحاد در محفل خويش نيفروزند چگونه جهانرا به نورانيّت الهيّه روشن نمايند و چگونه سبب الفت قلوب اهل عالم گردند؟ ای ياران عبدالبهاء شما را بملاحت و صباحت جمال ابهی قسم ميدهم که مانند نجوم ثريّا مجتمع و مؤتلف گرديد و سبب اتّحاد و يگانگی عالميان شويد بنياد خلاف براندازيد و بنيان ائتلاف بلند سازيد و بذيل محبّت الهيّه در آويزيد و ساحت قلب را ازمغايرت و مخالفت بپردازيد تا محلّ اشراق شمس حقيقت گردد و نور موهبت بدرخشد هر يک خادم يکديگر شويد و هر کدام در ره ديگر جانفشانی نمائيد جان و مال از يکديگر دريغ مداريد تا يرليغ عطا از ملکوت ابهی رسد و منشور سرور و حبور از ملأ اعلی صادر گردد.

